

دراسة نظام الارث فى وجهه نظر فقهاء المذاهب الاسلاميه

مولوى على احمد سلامى (نذير احمد)*

كاظم مسعودى كبودان**

[تاريخ الاستلام ١٣٩٩/٠١/٢١ تاريخ القبول ١٣٩٩/٠٣/٣٠ هـ ش]

ملخص القول

الارث و كفيهه توزيعه يعدُّ من المسائل الخلافية اجتماعيةً مضافاً الى ان آراء الفقهاء مختلفة و مفترقةً فيه.

يمكن القول بان المذاهب فى الاسلام تُوافق على نوعين من النظام الكلى للارث:

١- الارث بالقرابة

٢- الارث بالعصبة

و لا يخفى ان نظام العُصبة ايضا على اساس قبول مسألة الرد و عدم قبولها ينقسم الى عدة اقسام. يتبع الحنابلة و الأحناف نظام الارث بالعصبة و يخضعون لمسألة الرد فى الارث، بينما يرفض الرد كل من المالكية و الشافعية و الظاهرية بعد تمسكهم بنظام الارث بالعصبة. أما الامامية و الاسماعيلية اختاروا نظام الارث بالقرابة فى نوعية توزيع حصص الميراث. و فى هذا المقال نقاس آراء المذاهب الاسلامية فى الارث و طبقاتهم.

كلمات مفتاحية: الارث، طبقات الارث، المذاهب الفقهية، نظم الارث.

* استاذ المساعد فى جامعة المذاهب الاسلامية فرع زاهدان.

** طالب دكتوراه فى علوم القرآن و الحديث فى جامعة قم (الكاتب المسئول) kmasodi@yahoo.com

بررسی نظام ارث از دیدگاه فقهای مذاهب اسلامی

مولوی علی احمد سلامی (نذیر احمد)*

کاظم مسعودی کبودان**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۱/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۳۰]

چکیده

ارث و نحوه تقسیم میراث یکی از زمینه‌های اختلاف‌برانگیزی است که علاوه بر اختلافات اجتماعی، دیدگاه مذاهب مختلف نیز درباره آن گوناگون و متفاوت است. در مذاهب اسلامی دو نظام کلی ارث می‌توان معرفی کرد: یکی نظام قرابتی و دیگری نظام تعصیبی. نظام تعصیبی نیز بر اساس پذیرفتن و نپذیرفتن «مسئله رد» اقسامی دارد. حنابله و احناف از نظام تعصیبی با پذیرفتن رد تبعیت می‌کنند و مالکیه، شافعیه و ظاهریه از نظام تعصیبی و نپذیرفتن رد. امامیه و اسماعیلیه نیز از نظام قرابتی تبعیت می‌کنند. در این مقاله ویژگی هر یک از این نظام‌ها و طبقات آن را بررسی و با یکدیگر مقایسه می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: میراث، طبقات ارث، مذاهب فقهی، نظام‌های ارثی.

* استادیار گروه فقه و حقوق حنفیه دانشگاه مذاهب اسلامی واحد زاهدان.

** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قم (نویسنده مسئول) kmasodi@yahoo.com

مقدمه

مذاهب فقهی بر اساس آیات و روایاتی که هر یک پذیرفته‌اند شیوه‌های مختلفی برای تقسیم ارث معرفی کرده‌اند. در کتب فقهی غالباً به صورت مسئله آن را بیان کرده‌اند. در این مقاله ویژگی‌های کلی نظام‌های ارث به صورت مقایسه‌ای بین مذاهب تبیین می‌شود. از آنجایی که آیات قرآن و وجود سهام تعیین‌شده وارثان در آن یکی از محورهای اصلی تعیین‌کننده در میزان ارث است، ابتدا به آیات ارث اشاره می‌کنیم.

در کتاب‌های آیات الاحکام،^۱ نه آیه بیانگر موضوع ارث معرفی شده،^۱ اما آیات مرتبط با احکام فقهی ارث حدود ۲۰ آیه است.^۱ برخی از این آیات در مقام تشریح اصل ارث، ملاک وراثت و مراتب وراثت و برخی در مقام بیان تشریح میراث زنان است.^۲ دسنه‌ای از آیات که اصول علم فرایض و مواریث و بیان مقادیر سهام مستحقان و نحوه توزیع ترکه در بین وارثان را بیان می‌کند، فقط سه آیه است: آیات ۱۱، ۱۲ و ۱۷۶ سوره نساء. این آیات عهده‌دار بیان میراث اولاد، آباء، ازواج و کلاله شده‌اند. جزئیات بیشتر احکام ارث، از سنت استفاده می‌شود.

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ فَإِن كُن نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِن لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبُوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِّنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دِينَ آبَائِكُمْ وَابْنَائِكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا^۳ خداوند درباره فرزندان شما سفارش می‌کند که سهم (میراث) پسر، به اندازه سهم دو دختر باشد؛ و اگر فرزندان شما، (دو دختر و) بیش از دو دختر باشند، دوسوم میراث از آن آنها است؛ و اگر یکی باشد، نیمی (از میراث)، از آن او است. و برای هر یک از پدر و مادر او، یک‌ششم میراث است،

۱. حلی، مقداد بن عبد الله سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۲، ص ۵۶۵-۶۴۶.

۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ و جمعی از پژوهشگران، موسوعه الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت علیهم السلام، ج ۹، ص ۲۴-۲۵.

۳. نساء: ۱۱.

اگر (میت) فرزندی داشته باشد؛ و اگر فرزندی نداشته باشد، و (تنها) پدر و مادر از او ارث برند، برای مادر او یک‌سوم است (و بقیه از آن پدر است)؛ و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک‌ششم می‌برد (و پنج‌ششم باقی مانده، برای پدر است). (همه اینها) بعد از انجام وصیتی است که او کرده، و بعد از ادای دین است - شما نمی‌دانید پدران و مادران و فرزندان، کدام یک برای شما سودمندترند! - این فریضه الهی است؛ و خداوند، دانا و حکیم است.

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمْنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تَوْصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوْ امْرَأَةً وَ لَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتُ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرِ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ؛^۱ و برای شما، نصف میراث زنانان است، اگر آنها فرزندی نداشته باشند؛ و اگر فرزندی داشته باشند، یک‌چهارم از آن شما است؛ پس از انجام وصیتی که کرده‌اند، و ادای دین (آنها). و برای زنان شما، یک‌چهارم میراث شما است، اگر فرزندی نداشته باشید؛ و اگر برای شما فرزندی باشد، یک‌هشتم از آن آنها است؛ بعد از انجام وصیتی که کرده‌اید، و ادای دین. و اگر مردی بوده باشد که کلاله [= خواهر یا برادر] از او ارث می‌برد، یا زنی که برادر یا خواهری دارد، سهم هر کدام، یک‌ششم است (اگر برادران و خواهران مادری باشند)؛ و اگر بیش از یک نفر باشند، آنها در یک‌سوم شریک‌اند؛ پس از انجام وصیتی که شده، و ادای دین؛ به شرط آنکه (از طریق وصیت و اقرار به دین) به آنها ضرر نزند. این سفارش خدا است؛ و خدا دانا و بردبار است.

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنْ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَ لَدٌ وَ لَهُ أُخْتُ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَ هُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَ لَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَ إِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَ نِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ بَيْنَ اللَّهِ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَ اللَّهُ بِكُلِّ

شَیْءٍ عَلَیْمٌ^۱ از تو (درباره ارث خواهران و برادران) سؤال می‌کنند، بگو: «خداوند، حکم کلاله (خواهر و برادر) را برای شما بیان می‌کند: اگر مردی از دنیا برود، که فرزند نداشته باشد، و برای او خواهری باشد، نصف اموالی را که به جا گذاشته، از او (ارث) می‌برد؛ و (اگر خواهری از دنیا برود، وارث او یک برادر باشد)، او تمام مال را از آن خواهر به ارث می‌برد، در صورتی که (میت) فرزند نداشته باشد؛ و اگر دو خواهر (از او) باقی باشند دوسوم اموال را می‌برند؛ و اگر برادران و خواهران با هم باشند، (تمام اموال را میان خود تقسیم می‌کنند؛ و) برای هر مذکر، دو برابر سهم مؤنث است. خداوند (احکام خود را) برای شما بیان می‌کند تا گمراه نشوید؛ و خداوند به همه چیز دانا است.

طبقات ارث

افراد با عنوان‌های متعددی موضوع بحث ارث واقع می‌شوند و در هر عنوان نیز سهم ویژه‌ای را به خود اختصاص می‌دهند. برخی از این عنوان‌ها مثل «والدین»، «زوج و زوجه»، «اولاد» و «خواهر و برادر»، هرچند در مقدار ارث آنها اختلاف وجود دارد، در همه مذاهب وارث بودن آنها مسلم و یقینی است، ولی عنوان‌هایی وجود دارد که مذاهب اسلامی در وارث بودن یک فرد یا گروه، اختلاف فراوان با یکدیگر دارند. همه مذاهب درباره ارث بردن برخی عنوان‌ها از قبیل «عمه»، «دایی»، «خاله» یا «نوه‌های دختری» و «عمه و خاله‌های پدر و مادر» اتفاق نظر ندارند و بر فرض وارث دانستن، در نحوه ارث بردن آنها باز هم اختلافات شدید دارند.

نمونه‌هایی وجود دارد که بنا بر مذهب اهل سنت، ارث بین سه و حتی چهار نفر یا گروهی باید تقسیم شود. مطابق مذهب امامیه و اسماعیلیه هر کدام از آنها از طبقه ارثی متفاوتی هستند و تمام میراث فقط برای گروه اول متعین و یقینی است و نوبت به فرد یا گروه دیگر نمی‌رسد. مثلاً زمانی که وارثان میت: دختر، جده و عموی میت باشند، مطابق مذهب امامیه فقط دختر تمام اموال را مالک می‌شود، جده در طبقه دوم و عمو

در طبقه سوم قرار دارد.^۱ بنا بر مذاهب دیگر، هر کدام سهمی را مطابق قانون فرائض و عصبه، مالک می‌شوند.^۲

به طور کلی وارث یا به «فرض» ارث می‌برد یا به «قربت». مقصود از «فرض»، همان سهم تعیین شده‌ای است که در قرآن کریم بیان شده است.^۳ فرض‌های نام برده شده در قرآن شش فرض است: نصف، ربع، ثمن، ثلثان، ثلث، و سدس (به عبارتی دیگر: $\frac{1}{2}$ ، $\frac{1}{4}$ ، $\frac{1}{8}$ ، $\frac{1}{3}$ ، $\frac{2}{3}$ ، $\frac{1}{3}$) و به صورت خلاصه چنین بیان شده‌اند: النصف و نصفه و نصف نصفه، و الثلثان و نصفه و نصف نصفه.^۴ به آن دسته از وارثان نسبی، مانند پدر، مادر و فرزند یا سببی، مانند زوجین که سهم آنان در شرع مقدس تعیین شده است ارباب فروض [ارباب فرائض، اصحاب فرض] می‌گویند. صاحبان فرائض عبارت‌اند از: پدر [$\frac{1}{6}$ (۱) یا $\frac{1}{3}$ (۱)]، دختر [$\frac{1}{2}$ (۱) یا $\frac{2}{3}$ (۲)]، خواهر پدر مادری یا پدری [$\frac{1}{2}$ (۱) یا $\frac{2}{3}$ (۲)]، شوهر [$\frac{1}{2}$ (۱) یا $\frac{1}{4}$ (۱)]، زن [$\frac{1}{4}$ (۱) یا $\frac{1}{8}$ (۱)]، و خویشاوندان مادری [$\frac{1}{6}$ (۱) یا $\frac{1}{3}$ (۱)].^۵

به خویشاوندانی که مقدار سهم آنان در قرآن به صراحت بیان نشده است، ولی از عموماًت قرآن آن را استنباط می‌کنند «قربت»، و صاحبان این سهام را اولوالارحام می‌نامند.^۶ اینکه هر یک از گروه‌های صاحبان فرائض یا صاحبان قربت، با چه شرایط و به چه میزان ارث می‌برند، بر اساس نظام‌ها و طبقات ارث بررسی و مشخص می‌شود.

۱. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ و جمعی از پژوهشگران، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، ج ۳، ص ۲۱۹.
۲. جرجانی، سید شریف علی، شرح السراجیه فی علم الموارث، ص ۱۲۳، ۱۲۶ و ۱۲۹.
۳. موسوی خمینی، سید روح‌الله، تحریر الوسیله، ج ۴، ص ۲۵، مسئله ۱.
۴. محقق حلّی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۴، ص ۱۳ و ۱۴؛ نووی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المهدب، ج ۱۶، ص ۷۰؛ جرجانی، سید شریف علی، شرح السراجیه فی علم الموارث، ص ۵۰ و ۵۱.
۵. عاملی، محمد بن حسین؛ ساوجی، نظام بن حسین، جامع عباسی و تکمیل آن، ص ۸۸۲-۸۸۳.
۶. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ و جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام)، ج ۱، ص ۳۳۶.

نظام طبقات ارث را به دو دسته عمده می‌توان تقسیم کرد: نظام قرابتی و نظام تعصیبی. در نظام قرابتی خویشاوندان بر اساس دوری و نزدیکی رابطه خویشاوندی طبقه‌بندی می‌شوند و در هر طبقه با حفظ میزان فرائض همان طبقه، ارث به گونه‌ای تقسیم می‌شود که با وجود حتی یک نفر از طبقه اول، هر چند واسطه او با میت دور باشد یا مؤنث باشد، هیچ ارثی به طبقه یا طبقات بعدی نخواهد رسید. در این نظام به گونه‌ای نیست که صاحبان فرائض فقط در طبقه اول باشند، بلکه برخی صاحبان فرائض، مانند زوج و زوجه، با تمامی طبقات مشاهده می‌شوند. امامیه و اسماعیلیه بر اساس این نظام میراث را تعیین و تقسیم می‌کنند.

در نظام تعصیبی محور اصلی وارثان، ابتدا صاحبان فرائض و سپس عصبه هستند و صاحبان میراث را در دو گروه «صاحبان فرائض» و «عصبات» خلاصه می‌کنند.^۱ عصبه در اصطلاح فقهی اهل سنت، آن دسته از خویشاوندان مذکری هستند که در رابطه خویشاوندی آنها با میت، فردی مؤنث واسطه قرار نگیرد، مانند پدر، پسر و جد پدری.^۲ عصبه‌ها به ترتیب اولویت آنها در مسئله ارث عبارت‌اند از: ۱. پسر؛ ۲. سلسله پسران پسر؛ ۳. پدر؛ ۴. جد [و سلسله اجداد] پدری؛ ۵. برادر و سلسله پسران آنها، [شیبانی و ابویوسف، جد را بعد از برادر قرار می‌دهند]؛^۳ ۶. عمو و سلسله پسران آنها (چون عمو، پسر جد است)؛ ۷. عموی پدر و سلسله پسران او (چون که «پسر جد اعلای» میت می‌شود).^۴ و در نمونه‌هایی محدود مثل ولاء عتاق،^۵ طبق دستور شارع مقدس، فرد مؤنث هم می‌تواند عصبه قرار گیرد.^۵ ولاء الموالاة» (ضامن جریره)^۳ و ولاء اسلام (ولاء اسلام آوردن)،^۴ هم مطرح شده است، اما همه مذاهب آن را نمی‌پذیرند.^۶

۱. سرخسی، محمد بن ابی سهل، الميسوط، ج ۲۹، ص ۱۷۴.

۲. نووی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المهدب، ج ۱۶، ص ۹۷.

۳. جرجانی، سید شریف علی، شرح السراجیة فی علم الموارث، ص ۸۳ و ۸۴.

۴. نووی، یحیی بن شرف، ج ۱۶، ص ۹۷ و ۱۰۰ و ۱۰۱؛ ابن قدامه، عبدالله بن أحمد، المغنی، ج ۷،

ص ۱۹؛ ابن حزم، علی بن احمد، المحلی، ج ۹، ص ۲۵۲ و ۲۵۳، مسئله ۱۷۰۸.

۵. نووی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المهدب، ج ۱۶، ص ۱۰۰؛ طوسی، محمد بن حسن، الخلاف،

ج ۴، ص ۱۲۰، مسئله ۱۳۷؛ شافعی، محمد ابن ادريس، الام، ج ۴، ص ۸۱ و ۸۲.

۶. طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، ج ۴، ص ۱۲۰، مسئله ۱۳۷.

در نظام تعصیب ابتدا صاحبان فرائض و سپس عصبیات در اولویت قرار می‌گیرند. یعنی ابتدا خویشاوندان و وابستگان صاحب فرض ارث می‌برند و در مرحله بعد نوبت به عصبه می‌رسد. عصبه سهم تعیین شده‌ای در ارث ندارد. اگر فقط وارث قرار گرفته باشد، تمام مال را ارث می‌برد. چنانچه با صاحبان فرض هم همراه شده باشد و در صورتی که از صاحبان فرائض چیزی اضافه آمد، همان مقدار را ارث خواهد برد. همچنین، اگر چیزی از صاحبان فرائض اضافه نیاید، عصبه بهره‌ای از ارث نخواهند داشت.^۱ اهل سنت، ظاهریه، اوزاعیه و زیدیه این نظام و طبقه‌بندی را برای تقسیم ارث انتخاب کرده‌اند.

در اصطلاح فقهی باب ارث، ذوی‌الارحام آن دسته از خویشاوندانی هستند که نه عصبه‌اند و نه - از طریق کتاب، سنت یا اجماع - صاحب فرض هستند.^۲ مجموعه افراد و گروه‌هایی که همچون ذوی‌الارحام مطرح‌اند عبارت‌اند از: ۱. اولاد دختر [اولاد دختر صلبی (اولاد البنت) و اولاد دختری از سلسله اولاد پسرها (اولاد بنت الابن)]; ۲. اولاد خواهر؛ ۳. دختران برادر؛ ۴. اجداد و جد‌های غیرپدری؛ ۵. عمه‌ها، خاله‌ها و دایی‌ها مطلقاً (ابوینی، ابی، مادری) و عموهای مادری و اولاد آنها؛ ۶. عمه‌ها، خاله‌ها، دایی‌های پدر (و مادر) مطلقاً و عموهای مادری پدر؛ ۷. دختران عمو؛ ۸. تمام کسانی که بین آنها و میت، مادر فاصله شده باشد و کسانی که به مادر حق ولایت دارند.^۳ در نظام تعصیب با وجود صاحبان فرائض و عصبه سایر خویشاوندان بهره‌ای از ارث نخواهند داشت. اما اینکه در صورت نبودن صاحبان فرائض و عصبه سایر خویشاوندان می‌توانند ارث ببرند یا نه، یا اینکه صاحبان فرائض بیشتر از میزان فرض خود هم می‌توانند ارث ببرند یا نه، به دو گروه تقسیم می‌شوند. این اختلاف از عهد صحابه، تابعین و فقها وجود داشته است.^۴ حنابله، احناف و زیدیه رد بر اصحاب فرائض و سپس خویشاوندان را

۱. نووی، یحیی بن شرف، *المجموع شرح المذهب*، ج ۱۶، ص ۹۷.

۲. جرجانی، سید شریف علی، *شرح السراجیه فی علم الموارث*، ص ۱۷۰.

۳. سرخسی، محمد بن ابی سهل، *المبسوط*، ج ۳۰، ص ۶؛ ابن قدامه، عبدالله بن أحمد، *المغنی*، ج ۷، ص ۸۲ و ۸۳؛ نووی، یحیی بن شرف، *المجموع شرح المذهب*، ج ۱۶، ص ۵۵؛ الهادی الی الحق، یحیی

بن حسین بن قاسم، *الاحکام فی الحلال والحرام*، ج ۲، ص ۳۲۱ و ۳۲۲.

۴. سرخسی، محمد بن ابی سهل، *المبسوط*، ج ۳۰، ص ۲ و ۳.

پذیرفته‌اند. دلیل این گروه این است که منظور از آیه شریفه «وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ»^۵ بیان شایستگی آنان در مقام ارث‌بری از یکدیگر است. همچنین، عده‌ای از صحابه، مانند حضرت علی (علیه السلام)، عمر، ابن عباس، ابی عبیده، معاذ بن جبل و ابی الدرداء، ارث‌بردن آنها را روایت کرده‌اند. عده‌ای از تابعین، از قبیل شریح، عمر بن عبدالعزیز، عطاء، طاوس، علقمة، مسروق و اهل کوفه نیز آن را پذیرفته‌اند. امام احمد بن حنبل هم به آن عمل کرده است.^۱

اما مالکیه، شافعیه، ظاهریه و اوزاعیه ارث ذوی‌الارحام را نمی‌پذیرند. این گروه معتقدند در قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) سهمی برای آنان معین نشده است و از صحابه، زید [بن ثابت] هم به آنان ارث نمی‌داده است. ابو ثور و ابن جریر نیز از کسانی هستند که به این شیوه معتقد شده‌اند.^۲

با حفظ مطالب فوق، نظام‌ها و طبقات ارث در مذاهب اسلامی به شرح ذیل است:

نظر حنابله و احناف

مراتب ورثه نزد حنابله و احناف از این قرار است:^۳ ۱. اصحاب فرائض، تمام کسانی که فرض دارند، هرچند در گروه‌های متفاوت باشند؛ ۲. عصبات نسبی؛ ۳. عصبات سببی (مولی العتاقه)؛ ۴. عصبه ذکور مولی العتاقه؛ ۵. رد بر اصحاب فرائض نسبی؛ ۶. ذوی‌الارحام؛ ۷. رد بر احدالزوجین (صاحبان فرائض سببی).

شرح السراجیه این مطلب را ضمن مرتبه بعدی (مولی الموالی) ذکر کرده و مرتبه جداگانه‌ای قرار نداده است. ولی با توضیحی که درباره آن می‌دهد می‌تواند خودش مرتبه جداگانه‌ای حساب شود: «۷. (ثم مولی الموالاة): ای عند عدم هؤلاء المذكورین پیدا فی جمیع المیراث بمولی الموالاة ان لم يوجد احد الزوجین، و ان يوجد پیدا به ایضاً لکن فی الباقی فی فرضه کما ذکر فی «الفرائض العثمانیة»».^۴

۱. ابن‌قدامه، عبدالله بن أحمد، المغنی، ج ۷، ص ۸۲ و ۸۳.

۲. همان.

۳. جرجانی، سید شریف علی، شرح السراجیه فی علم الموارث، ص ۳۳-۳۹.

۴. همان، ص ۳۵.

رد بر زوجین را از عثمان نیز نقل کرده‌اند. ولی برخی رد بر زوجین را به مثابه فتوای اصل مذهب نمی‌پذیرند. قولی را که به عثمان نسبت داده شده است نیز به گونه‌ای اصلاح می‌کنند که رد بر زوج بوده است و رد بر زوجه را شامل نمی‌شود. اما در صورت عدم انتظام بیت‌المال، فتوا به آن را صحیح می‌دانند.^۱

۸. مولی الموالی (ضامن جریره) [البته در این باره اختلاف وجود دارد]؛^۲ ۹. اقرارکننده به نسب، یعنی مجهول‌النسبه‌ای که میت به نسبت داشتن او با خودش اقرار کرده باشد [این اقرار شرایط و قیودی دارد که باید رعایت شود]؛^۳ ۱۰. الموصی له بجمیع المال [کسی که جمیع مال برای او وصیت شده باشد]؛^۴ ۱۱. بیت‌المال.^۵

دیدگاه مالکیه، شافعیه و ظاهریه

مالک و شافعی مطابق قول زید «رد بر صاحبان فرائض» را نیز نمی‌پذیرند و مازاد را به بیت‌المال برمی‌گردانند.^۶ در واقع استدلال آنها این است که در قرآن در مقام بیان سهم وارثان، غیر از بیان فرائض آیه دیگری برای رد و دریافت رد مرحله دوم وجود ندارد. شافعیه برای مولی الموالی^۷ و اقرارکننده به نسبت^۸ نیز هیچ بهره‌ای از ارث را قبول نکرده‌اند و برای کسی که به جمیع مال برای او وصیت شده باشد نیز فقط تا میزان ثلث را پذیرفته و گفته‌اند وی از مازاد بر ثلث سهمی نخواهد داشت.^۹

۱. همان، ص ۱۴۰، پاورقی.

۲. همان، ص ۱۷۲؛ نووی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المذهب، ج ۱۶، ص ۵۶-۵۷.

۳. جرجانی، سید شریف علی، شرح السراجیه فی علم الموارث، ص ۳۷.

۴. همان، ص ۳۸.

۵. همان.

۶. ابن رشد، محمد بن أحمد، بدایة المجتهد و نهایة المقتصد، ج ۲، ص ۲۸۶-۲۸۷؛ سرخسی، محمد بن

أبی سهل، المبسوط، ج ۲۹، ص ۱۹۲-۱۹۳ و ج ۳۰، ص ۲-۳.

۷. جرجانی، سید شریف علی، شرح السراجیه فی علم الموارث، ص ۳۶ و ۳۹.

۸. همان، ص ۳۸ و ۳۹.

۹. همان، ص ۳۸ و ۳۹.

شافعیه همچنين بيت المال را بر ذوی الارحام هم مقدم می‌دارند،^۱ بلکه بالاتر از آن بيت المال را به مثابه عصبه وارث می‌دانند. در صورت نبودن امام عادل دو احتمال را مطرح کرده‌اند و مطابق احتمال دوم که بسان بنای مذهب پذیرفته‌اند، نه به صاحبان سهام و نه ذوی الارحام، چیزی داده نمی‌شود و اموال به مسلمانان تعلق می‌گیرد. به علاوه، نبودن والی شایسته به معنای نابودی خود مسلمانان و مساوی آن نیست. بنابراین، باید در مصالح آنها مصرف شود.^۲

همچنین، اگر مسلمانان به مثابه عصبه وارث شوند، مذکر و مؤنث با هم مساوی خواهند بود.^۳ مالکيه نیز شبیه شافعیه ورثه را طبقه‌بندی می‌کنند، اما در خصوص بيت المال و پس از آن این اختلاف‌ها وجود دارد:

۱. در صورت نبودن وارثان صاحب فرض و عصبه: بيت المال وارث است، مطلقاً (بنا بر مشهور).

۲. بيت المال در صورتی وارث است که والی، عادل باشد (در این صورت هیچ‌گونه ردی نه بر صاحبان فروض و نه بر ذوی الارحام صورت نمی‌گیرد)، ولی اگر والی، عادل نباشد، به ذوی الارحام رد می‌شود.

۳. اگر بيت المال نباشد یا والی، عادل نباشد، اموال میت به عموم مسلمانان تعلق می‌گیرد و باید صدقه داده شود.

۴. اگر بيت المال نباشد بر صاحبان فروض و عصبه رد می‌شود و در غیر این صورت به ذوی الارحام برمی‌گردد.^۴

۱. همان، ص ۳۹.

۲. نووی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المذهب، ج ۱۶، ص ۵۴ و ۱۱۳؛ طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، ج ۴، ص ۲۲.

۳. نووی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المذهب، ج ۱۶، ص ۵۴.

۴. الحطاب الرعینی، محمد بن محمد بن عبد الرحمن، مواهب الجلیل لشرح مختصر الخلیل، ص ۵۹۳-۵۹۵.

بنابراین، تصریح مالکیه و شافعیه بر این است که بیت المال، در صورت نبودن صاحبان فرض و عصبه، وارث اصلی است. ولی اگر بیت المال به شیوه صحیح برقرار نباشد، یعنی اگر حکومت اسلامی وجود نداشته باشد یا والی عادل نباشد، در نحوه مصرف آن - که آیا به والی همان منطقه تعلق بگیرد، به ورثه برگردد، به خویشاوندان برگردد یا به فقرا داده شود - اختلاف کرده‌اند.

در واقع اختلاف در تفسیر بیت المال است که اموال حاصل از ارث به چه صورت به بیت المال تعلق می‌گیرد. همه مسلمانان به صورت مشاع از آن سهم می‌برند یا نه؟ برخی محققان افزوده‌اند که علمای مالکیه در اوایل قرن سوم هجری و علمای شافعیه در اواخر قرن چهارم هجری قائل به ارث ذوی الارحام شده‌اند. در عین حال رافعی از علمای شافعی گفته است که ارث بردن ذوی الارحام از باب رعایت مصلحت است، نه از باب طبقه‌بندی ارثی بودن آن خویشاوندان.^۱

در نتیجه می‌توان تقسیم طبقات شافعیه و مالکیه را شبیه هم دانست، با ذکر این نکته که آخرین وارث اصلی بیت المال است، ولی در صورت نابسامانی حکومت یا والی بر سر مصلحت موجود اختلاف ایجاد شده است، نه بر اصل طبقه‌بندی ارثی. مذاهبی مانند ظاهریه و اوزاعیه نیز به ذوی الارحام ارث نمی‌دهند.^۲ بنابراین، می‌توان شیوه آنان را در طبقه‌بندی وارثان همانند مالکیه و شافعیه دانست.

بدین ترتیب مراتب ورثه نزد مالکیه، شافعیه، ظاهریه و اوزاعیه چنین خواهد بود: ۱. اصحاب فرائض؛ ۲. عصبات نسبی؛ ۳. عصبات سببی (مولی العتاقه)؛ ۴. عصبات ذکور مولی العتاقه؛ ۵. بیت المال.

دیدگاه زیدیه

زیدیه قمست عمده طبقه‌بندی احناف را قبول دارند، ولی در چند مسئله با آنها متفاوت به نظر می‌رسند. در مسئله رد، رد بر صاحبان فروض را قبول دارند، ولی رد بر

۱. جرجانی، سید شریف علی، شرح السراجیه فی علم الموارث، ص ۱۷۱، پاورقی.

۲. ابن‌قدامة، عبدالله بن أحمد، المعنی، ج ۷، ص ۸۲-۸۳.

زوج و زوجه را نمی‌پذیرند.^۱ رد بر ذوی‌الارحام را نیز پذیرفته‌اند، ولی رد بر ذوی‌الارحام عصبه‌های سببی (مولی‌العتاق و مولی‌الموالاة) را هم در مرتبه بعد از آن قرار می‌دهند. در خصوص بیت‌المال تصریح نکرده‌اند، ولی به نظر می‌رسد بعد از ذوی‌الارحام موالی، نوبت به بیت‌المال می‌رسد.

بدین ترتیب نظام طبقاتی ارث بر مبنای مذهب زیدیه را نیز می‌توان چنین توصیف کرد:^۲ ۱. صاحبان فرائض؛ ۲. عصبه نسبی؛ ۳. عصبه سببی (مولی‌العتاق)؛ ۴. عصبه‌های عصبه سببی (عصبه‌های مولی‌العتاق)؛ ۵. رد بر ذوی‌الفرائض (غیر از زوجین)؛ ۶. ذوی‌الارحام؛ ۷. ذوی‌الارحام موالی (به همان ترتیب شماره‌های ۳ و ۴)؛ ۸. ولاء الموالاة؛ ۹. بیت‌المال.

دیدگاه امامیه و اسماعیلیه

امامیه و اسماعیلیه تقسیم طبقات ارث را به گونه‌ای متفاوت با اهل سنت انجام داده‌اند. در این دو مذهب محور اصلی تقسیم طبقات ارث بر اساس نسب است. یعنی سه طبقه برای خویشاوندان در نظر گرفته‌اند به گونه‌ای که با وجود حتی یک نفر از طبقه اول که واجد شرایط ارث باشد و مانعی از ارث بردن او حاصل نشده باشد، هیچ یک از طبقات بعدی ارث نخواهند برد. سپس تقسیم طبقات بر اساس سبب ادامه می‌یابد و سه طبقه ولاء سببی هم بدین ترتیب به آن اضافه می‌شود: ولاء عتق، ولاء ضامن جریره، امام.

ولای ضامن جریره چنان است که شخصی غیروارث جنایت‌ها و گناهان مرد آزاد را ضامن شود و شرط کند که از او میراث ببرد. هر گاه میراث‌خواری نداشته باشد، از او میراث می‌برد، اما او از آن شخص میراث نمی‌برد، مگر آنکه او نیز ضامن شده باشد.^۳

۱. عصفری، فضل ابن ابی السعد، مفتاح الفرائض فی علم الفرائض، ج ۱، ص ۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۳؛ احمد بن سلیمان، أصول الأحكام الجامع لأدلة الحلال والحرام، ص ۱۲۴.

۳. عاملی، محمد بن حسین؛ ساوجی، نظام بن حسین، جامع عباسی و تکمیل آن، ص ۸۷۰.

دو رده و طبقه دیگر هم ذکر کرده‌اند: یکی ولاء اسلام آوردن و یکی هم ولاء مستحقان زکات، که جایگاه این دو طبقه، بعد از ضامن جریره و قبل از امام است. اما برخی آن را در همان طبقه بندی‌هایی که قبل از این ذکر شد، ادغام کرده‌اند:

ولاء اسلام آوردن این است که اگر «کافر مسلمان شده بمیرد و هیچ‌کس نداشته باشد، حتی ضامن جریره، آن کسی که او را مسلمان کرده از او میراث می‌برد».^۱ علمایی مانند یزدی، دهکردی و نجفوانی در حاشیه بر جامع عباسی، آن را مال امام دانسته‌اند.^۲

درباره ولاء مستحقان زکات هم گفته‌اند که «هر گاه بنده‌ای را از زر^۳ زکات بخرند و آزاد کنند و آن بنده بمیرد و میراث خواری نداشته باشد، میراث او از مستحقان زکات است».^۳ مرحوم یزدی ولای مستحقان زکات را به ولاء عتق برمی‌گرداند و احتیاط را در ملحق کردن آن با «ولاء امامت» می‌داند.^۴

آخرین مرحله به فقرا و مساکین تعلق می‌گیرد. زوج و زوجه که صاحب فرض نیز هستند در تمام این طبقات حضور دارند.^۵ اگر از سایر گروه‌ها و طبقات ارث هیچ وارثی وجود نداشته باشد و تنها وارث میت فقط زوج یا زوجه باشد، آنگاه اینکه آیا می‌تواند بیشتر از میزان فرض خود ارث ببرند یا نه، محل اختلاف است.

از گروه‌های شیعی غیرامامی، اسماعیلیه جده را صاحب فرض می‌شمارد و قائل است چون سهم او به وسیله سنت پیامبر ﷺ تعیین شده است، فرض به حساب می‌آید.^۶ زیدیه نیز جد و جده را صاحب فرض می‌دانند.^۷ اسماعیلیه اختلافاتی با امامیه دارند، اما

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، ج ۴، ص ۳۷.

۶. مغربی، نعمان بن محمد تمیمی، دعائم الاسلام و ذکر الحلال والحرام، والقضایا والاحکام عن أهل بیت رسول الله علیه وعلیهم أفضل السلام، ج ۲، ص ۳۷۸، مسئله ۱۳۵۲.

۷. الهادی الی الحق، یحیی بن حسین بن قاسم، الاحکام فی الحلال والحرام، ج ۲، ص ۳۲۰، ۳۲۴، و

در تقسیم کلی مربوط به طبقات ارث با امامیه مشترک‌اند. بنابراین، طبقات ورثه از دیدگاه امامیه و اسماعیلیه چنین خواهد بود:

۱. والدین و سلسله فرزندان؛^۱
۲. سلسله اجداد و گروه‌های برادران و خواهران و سلسله فرزندان آنها؛^۲
۳. گروه‌های عمومه و خئوله و سلسله فرزندان آنها (که شامل عمومه و خئوله والدین هم می‌شود)؛^۳
۴. ولاء عتق و اولاد او (با اختلافی که در اولاد وجود دارد که آیا در صورت نبودن شخص معتق، همه فرزندان او وارث خواهند شد یا فقط فرزندان پسر). زوج و زوجه در این طبقه نیز همراه منع ارث می‌برند؛^۴
۵. ضامن جریره [زوجین در این طبقه هم ارث می‌برند].^۵
۶. ولاء اسلام آوردن؛^۶
۷. امام معصوم علیه السلام؛^۷
۸. فقرا و مسکینان در صورت غیبت امام علیه السلام.^۸

اهل سنت، در ترتیب طبقات ارث، ابتدا اصحاب فرائض را قرار می‌دهند، سپس عصبات نسبی و ... را، اما با طبقات ارث امامیه تفاوت مهمی دارد: بنا بر نظر امامیه، حتی با وجود یک فرد از طبقه اول هرچند واسطه او با میت دور باشد یا مؤنث باشد، و

۳۲۵؛ عصفری، فضل ابن ابی السعد، *مفتاح الفرائض فی علم الفرائض*، ص ۳ و ۴.

۱. محقق حلّی، جعفر بن حسن، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، ج ۴، ص ۱۶.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۰.

۳. همان، ج ۴، ص ۲۴-۲۶.

۴. همان، ج ۴، ص ۲۹ و ۳۰.

۵. همان، ج ۴، ص ۳۳ و ۳۴.

۶. طوسی، محمد بن حسن، *الخلاص*، ج ۴، ص ۱۲۰؛ عاملی، محمد بن حسین؛ ساوجی، نظام بن حسین، *جامع عباسی و تکمیل آن*، ص ۸۷۰.

۷. همان، ج ۴، ص ۳۴.

۸. همان.

نیز هر چند عصبه یا صاحب فرض هم نباشد (مانند نوه دختری)، نوبت به طبقه یا طبقات بالاتر نمی رسد. ولی در تقسیم اهل سنت ابتدا باید فرض اصحاب فرائض را جدا کرد و سپس اگر مازادی وجود داشته باشد، با رعایت حجب، مازاد را به طبقات دیگر داد. این مسئله به بحث عصبه مربوط است و شبیه شرکت داشتن زوج و زوجه در تمام طبقات ارثی، بنا بر نظر امامیه، می شود. یعنی صاحبان فرائض اگر سهمشان کمتر از اصل مال باشد، با هر یک از طبقات بعدی، به جز مرحله رد به بعد، که نوبتشان باشد شریک اصل میراث واقع می شوند.

در طبقات ارث این نکته نیز جالب توجه است که وقتی دو گروه متفاوت در یک طبقه قرار می گیرند، مثلاً «والدین و فرزندان» یا «اجداد و اخوه»، در صورت نبودن یک طرف، افرادی دیگر که از همان طبقه و همان گروه حساب می شوند، جایگزین آنان می شوند، هر چند واسطه قرب به میت در یک طرف نزدیک تر و در طرف دیگر دورتر باشد. وقتی والدین و فرزندان وارث اند، چنانچه والدین زنده باشند و از افراد گروه مقابل در همین طبقه (که سلسله فرزندان هستند) فرزندان مستقیم و بلاواسطه از دنیا رفته باشند، ولی فرزندان فرزند (یعنی نوه های او و هرچه رو به پایین ادامه یابد) وجود داشته باشند، نزدیک ترین گروه فرزندان به میت، همراه با والدین میت ارث خواهند برد. هر چند نسبت قرب آنها به میت از نسبت والدین میت به میت دورتر است.

در طبقه دوم (اجداد و اخوه) در صورت نبودن هر یک از طرفین، فرد جایگزین همان گروه، شریک وارث گروه دیگر می شود. مثلاً اگر جد زنده باشد، ولی از گروه اخوه، خواهر یا برادر وجود نداشته باشد و فقط فرزندان آنها وجود داشته باشند، فرزندان به جای والدین خود با اجداد در ارث شریک می شوند.

همچنین اگر اخوه وجود داشته باشند و از گروه مقابل آنان جد نزدیک وجود نداشته باشد، بلکه جد یا اجداد اعلی وجود داشته باشند، هر چند نسبت قرابت او به میت دورتر از نسبت قرابت اخوه به میت قرار می گیرد، اما جد اعلی با اخوه در ارث شریک خواهند بود.

نکات در خور توجه

۱. برخی فرق شیعه مانند اسماعیلیه و زیدیه، در پاره‌ای مسائل فقهی شیوه اهل سنت را در پیش گرفته‌اند. مثلاً زیدیه عول را پذیرفته‌اند، و اسماعیلیه صاحب فرض بودن جده را، ولی امامیه نظر ویژه خود را دارد. لذا در انتساب دیدگاه‌ها به شیعه و همچنین سایر فرقه‌ها باید مواظب این نکته نیز باشیم که انتساب نادرستی صورت نگیرد.

۲. در تعریف فرض و مصادیق صاحبان فرائض نیز بین مذاهب اسلامی تفاوت‌هایی وجود دارد که این خود، در نحوه تقسیم ارث و میزان بهره وارثان از میراث تأثیرگذار خواهد بود. برای نمونه:

در چهار نمونه که سهام وارثان را می‌توان از قرآن به دست آورد، زیدیه و برخی اهل سنت از آن به فرض تعبیر کرده‌اند: فریضه اولاد، پدر در صورت نبودن فرزند، برادر، خواهر و برادر (مختلف و با همدیگر).^۱

اهل سنت جد را نیز مانند والدین صاحب فرض می‌دانند.^۲ در امامیه نیز هر چند قول بسیار نادری به صاحب فرض دانستن جد وجود دارد،^۳ ولی مشهور امامیه جد را صاحب فرض نمی‌دانند.^۴

جده و دختر پسر جزء افرادی هستند که اهل سنت آنان را صاحب فرض شمرده‌اند. در صاحب فرض بودن پدر و جد (در صورت وجود پسر یا پسر پسر) نیز همین اختلاف وجود دارد. زیدیه و اهل سنت «بنات‌الابن» را در صورت نبودن دختران اصلی

۱. الهادی الی الحق، یحیی بن حسین بن قاسم، الاحکام فی الحلال والحرام، ج ۲، ص ۳۱۸ و ۳۱۹.

۲. نووی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المهدب، ج ۱۶، ص ۷۰.

۳. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۲۸۱؛ عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۳۶۷-۳۶۸.

۴. حلّی، حسن بن یوسف، مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۹، ص ۷۰؛ عاملی، محمد بن مکی، الدروس الشرعیة فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۳۶۷-۳۶۸؛ نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۳۹، ص ۷۶-۷۷.

به منزله «بنات الصلب» صاحب فریضه می‌دانند،^۱ ولی امامیه آنان را صاحب فرض نمی‌دانند.

۳. در تقسیم فرائض سه صورت ممکن است حاصل شود: فرائض عادلّه، فرائض قاصره (رد)، فرائض عائله. در فرائض عادلّه، مجموع سهام فرض‌ها با میراث مساوی می‌شود. مانند زوج و خواهر ابوینی که فرض هر کدام نصف است. **فرائض قاصره** وقتی حاصل می‌شود که میراث از میزان فرض‌ها بیشتر باشد. به عبارت دیگر، مجموع فرض‌ها از تمام میراث کمتر شود، مثل وارث شدن مادر با دختر. در این صورت «مسئله رد» مطرح است که در نحوه تقسیم کردن مقدار میراث اضافه‌تر از سهام فرائض اختلاف است. فرائض عائله حالتی است که مقدار فرض‌ها از مجموع میراث بیشتر شود. مانند وارث شدن زوج، خواهران ابوینی و خواهران مادری، که فرض‌های $\frac{۱}{۲}$ ، $\frac{۲}{۳}$ و $\frac{۱}{۳}$ با هم جمع می‌شوند.^۲ به این حالت عول گفته می‌شود.

در نظام‌های ارثی، هم، حالت‌های ایجادشده و ترکیب‌های وارثان با همدیگر، و هم، راه‌حل‌های مطرح‌شده در برابر صورت‌های مشکل‌آفرین با یکدیگر تفاوت دارند. یکی از مسائل بحث‌برانگیز آن مربوط به فرائض عائله و راه‌حل مطرح‌شده از سوی نظام‌های ارثی است. امامیه، اسماعیلیه و ظاهریه از مذاهبی هستند که عول را باطل می‌دانند. کسانی که عول را نمی‌پذیرند، با رعایت مراتب و درجات صاحبان فرض، مال را به گونه‌ای تقسیم می‌کنند که نقصان در سهم همه وارثان ایجاد نشود. آنها گروه‌هایی را معرفی می‌کنند که باید سهم خودشان را کامل دریافت کنند و نقصان بر گروه‌هایی خاص وارد می‌شود.^۳ راه‌حل این گروه برگرفته از تقدیم و تأخیر قرآن دربارهٔ صاحبان

۱. نووی، یحیی بن شرف، *المجموع شرح المذهب*، ج ۱۶، ص ۸۰؛ ابن قدامه، عبدالله بن أحمد، *المغنی*،

ج ۷، ص ۷؛ الهادی الی الحق، یحیی بن حسین، *الاحکام فی الحلال والحرام*، ج ۲، ص ۳۲۰.

۲. سرخسی، محمد بن أبی سهل، *المبسوط*، ج ۲۹، ص ۱۶۰-۱۶۱؛ ابن قدامه، عبدالله بن أحمد، *المغنی*،

ج ۷، ص ۳۱.

۳. محقق حلّی، جعفر بن حسن، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، ج ۴، ص ۱۵؛ سرخسی،

محمد بن أبی سهل، *المبسوط*، ج ۲۹، ص ۱۶۰-۱۶۱؛ ابن حزم، علی بن احمد، *المحلی*، ج ۹،

ص ۲۶۳-۲۶۴؛ مغربی، نعمان بن محمد تمیمی، *دعائم الاسلام و ذکر الحلال والحرام والقضایا*

فرض است. قرآن برای گروهی از صاحبان فرائض سهم آنها را از فرض، به «مابقی» تقلیل می‌دهد. ولی برای دسته دیگر دو فرض قائل شده است که در برخی مواقع سهم آنها را از حد اعلا به حداقل کاهش می‌دهد. این نشان‌دهنده اهمیت آنان در بحث ارث است، به گونه‌ای که سهم آنان از مقدار حداقل، نباید کمتر شود. لذا در عول، ابتدا باید سهم این گروه، تمام و کمال داده شود و اگر نقصی ایجاد می‌شود بر سهم کسانی وارد خواهد شد که چنین اولییتی برای آنان لحاظ نشده است.

کسانی که عول را پذیرفته‌اند مجموع سهام اصحاب فرائض را با هم جمع، و مال را مطابق همان مجموع سهام به دست‌آمده تقسیم می‌کنند. سپس به هر یک از صاحبان سهام، سهمی معادل فرض خودش می‌پردازند. بدین ترتیب بر همه صاحبان فرائض به تناسب سهم خودشان، نقص وارد می‌شود.^۱

۴. همان‌گونه که اشاره شد، بحث مسئله عول اختصاصی به نظام تعصیب ندارد و در نظام قرابتی هم ممکن است مطرح شود. راه حل مسئله عول در نظام تعصیب یکسان نیست و برخی از آنان مانند ظاهریه، راه حلی همانند شیوه نظام قرابتی مطرح کرده‌اند.

۵. گروهی در نظام تعصیب ارث ذوی‌الارحام در «مسئله رد» را پذیرفته‌اند. اما به این نکته باید توجه کرد که شیوه تقسیم آنان برای ارث ذوی‌الارحام هیچ شباهتی با شیوه تقسیم ارث در نظام قرابتی ندارد.

خلاصه: در مجموع می‌توان نظام‌های طبقات ارث را به دو نظام عمده تقسیم کرد:

۱. نظام ارثی بر مبنای قرابت که امامیه و اسماعیلیه آن را مطرح می‌کنند؛ ۲. نظام ارثی بر مبنای عصبه که سایر مذاهب، یعنی زیدیه، ظاهریه، حنفیه، مالکیه، شافعیه و حنابله، به آن معتقدند. نظام تعصیب نیز در پذیرفتن و نپذیرفتن «رد» به موافقان و مخالفان «رد» تقسیم می‌شود. حنفیه، حنابله و زیدیه موافقان و ظاهریه، شافعیه، مالکیه و اوزاعیه مخالفان «رد» هستند.

والاحکام عن اهل بیت رسول الله علیه و علیهم افضل السلام، ج ۲، ص ۳۸۱.

۱. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۳۹، ص ۱۰۷؛ ابن‌قدامه، عبدالله بن أحمد، المغنی، ج ۷، ص ۲۶؛ نووی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المذهب، ج ۱۶، ص ۹۴-۹۵.

در نظام تعصیب صاحبان فرائض و عصبه اولین گروه‌های وارثان هستند و با وجود صاحبان فرائض و عصبه، ارث به افراد دیگر از وابستگان میت نمی‌رسد. اما در نظام قرابتی، در هر طبقه از طبقات ارث، می‌تواند نمونه‌هایی از وارثان صاحب فرض قرار گیرد. همان‌گونه که خواهران در مقام صاحب فرض در طبقه دوم حضور دارند و زوجین نیز در تمام طبقات ارث می‌توانند با سایر ورثه همراه باشند.

در خصوص ذوی‌الارحام اگر وارثان میت عبارت باشند از: نوه‌های دختری، فرزندان خواهر، عمه‌ها و خاله‌ها، و دختران عمو، در نظام تعصیب هیچ‌یک از این گروه‌ها وارث واقعی نیستند و ارث به نزدیک‌ترین عصبه تعلق خواهد گرفت. اما از نظر امامیه همه این گروه‌ها جزء وارثان واقعی میت به حساب می‌آیند. با وجود این، چون طبقات آنها متفاوت است، ابتدا خویشاوندان نزدیک‌تر ارث را مالک می‌شوند.

همچنین، در سایه این بررسی و مقایسه، جایگاه زنان در طبقات ارث و میزان سهم زنان از میراث، در میان مذاهب مختلف نیز مشخص می‌شود. عنوان‌هایی از قبیل عمه‌ها، خاله‌ها، دایی‌ها و سلسله اولاد آنها؛ سلسله جده‌های مادری، سلسله اولاد دختر، سلسله اولاد خواهر و ... از خویشاوندان (اولوالارحام) هستند که مطابق نظام قرابتی همگی وارث حساب می‌شوند. ولی در نظام‌های تعصیب، مگر هنگامی که رد بر ذوی‌الارحام را پذیرفته‌اند، جایگاهی برای ارث‌بردن ندارند.

در انتها می‌توان مجموع این چهار نظام ارثی را به صورت زیر و در قالب یک

جدول با هم مقایسه کرد:

نظام ارثی قرابتی	نظام ارثی تعصیبی			رد
	مالکی، شافعی، ظاهری	زیدیه	احناف و حنابله	
امامیه و اسماعیلیه	مالکی، شافعی، ظاهری	زیدیه	احناف و حنابله	۳
والدین و سلسله فرزندان، زوجین	صاحبان فرائض	صاحبان فرائض	صاحبان فرائض	۱
سلسله اجداد و گروه‌های برادران و خواهران و سلسله فرزندان آنها، زوجین	عصبات نسبی	عصبات نسبی	عصبات نسبی	۲

ردیف	نظام ارثی تعصیبی			نظام ارثی قرابتی
	احناف و حنابله	زیدیه	مالکی، شافعی، ظاهری	امامیه و اسماعیلیه
۳	عصبات سببی (مولی العتاقه)	عصبات سببی (مولی العتاقه)	عصبات سببی (مولی العتاقه)	گروه‌های عمومه و خنوله و سلسله فرزندان آنها، زوجین
۴	عصبات ذکور مولی العتاقه	عصبات مولی العتاق	عصبات ذکور مولی العتاقه	ولاء عتق و اولاد او، زوجین
۵	رد بر صاحبان فرائض نسبی	رد بر صاحبان فرائض نسبی	بیت‌المال	ضامن جریره، زوجین*
۶	ذوی الارحام	ذوی الارحام		ولاء اسلام آوردن، زوجین*
۷	رد بر احدالزوجین (صاحبان فرائض سببی)	ذوی الارحام موالی (به همان ترتیب شماره‌های ۳ و ۴)		امام معصوم <small>علیه السلام</small> (در صورت حضور)، زوجین*
۸	مولی الموالی (ضامن جریره)	ولاء الموالاة		فقرا و مسکینان (در صورت غیبت امام)، زوجین*
۹	اقرارکننده به نسب	بیت‌المال		
۱۰	الموصی له بجمع المال			
۱۱	بیت‌المال			

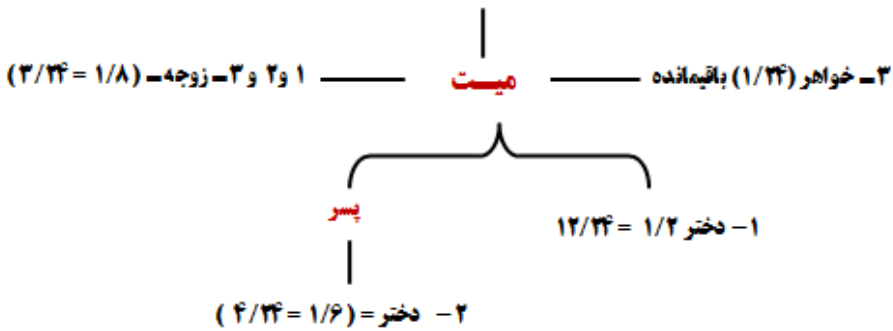
* در خصوص ارث زوجین بیشتر از مقدار فرض، در این مراحل اختلافاتی وجود دارد.

بنابراین، در ترتیب طبقات ارث، ترتیب حنابله، احناف و زیدیه تا حد بسیاری مثل هم، و ترتیب شافعیه، مالکیه و ظاهریه شبیه هم هستند. این گروه‌ها از نظام تعصیبی پیروی می‌کنند. امامیه و اسماعیلیه هم از نظام قرابتی تبعیت کرده‌اند. نمودارهای پیوستی نیز می‌تواند بیانگر نمونه‌هایی از این تفاوت‌ها باشد.

پیوست

در این قسمت نمونه‌ها و مصادیقی از اختلافات سهام ورثه که ناشی از اختلاف نظام‌های ارثی است به صورت نمودار بیان می‌شود.

۱ و ۲ = مادر ($1/6 = 4/24$)

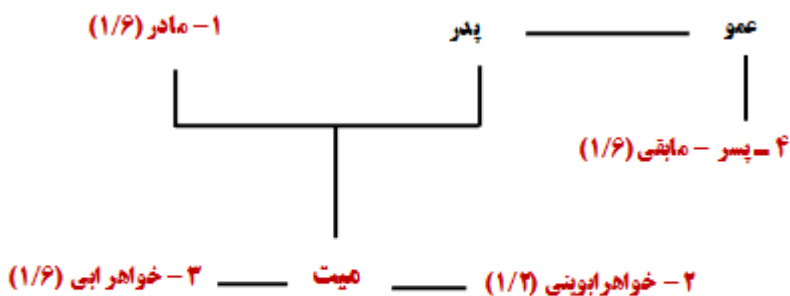


در این نمودار بر اساس تعصیب تمام گروه‌ها ارث می‌برند. ولی بر اساس نظام قرابت به ترتیب شماره‌های ذکر شده، ارث خواهند برد.
الشرح الكبير، ابوالبركات، ۴۵۹/۴ (ارث مالکی)

نمودار ۱. در این نمودار بر اساس تعصیب، تمام گروه‌ها ارث می‌برند. ولی بر اساس نظام قرابت به ترتیب شماره‌های ذکر شده ارث خواهند برد.^۱ در نظام قرابت زوجه در همه طبقات خواهد بود.^۲

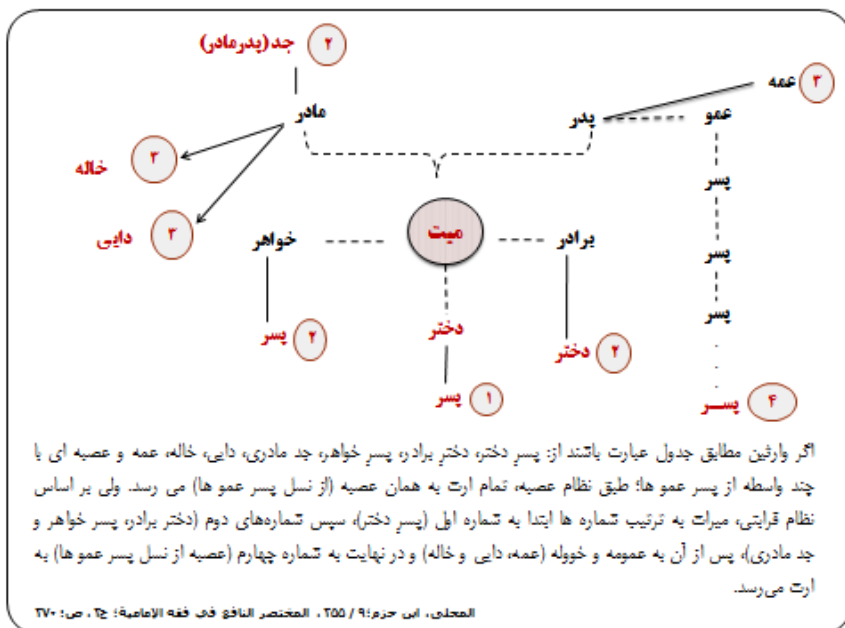
۱. ابی البركات، سیدی احمد الدردیر، الشرح الكبير، ج ۴، ص ۴۵۹.

۲. محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۲۹ و ۳۰.



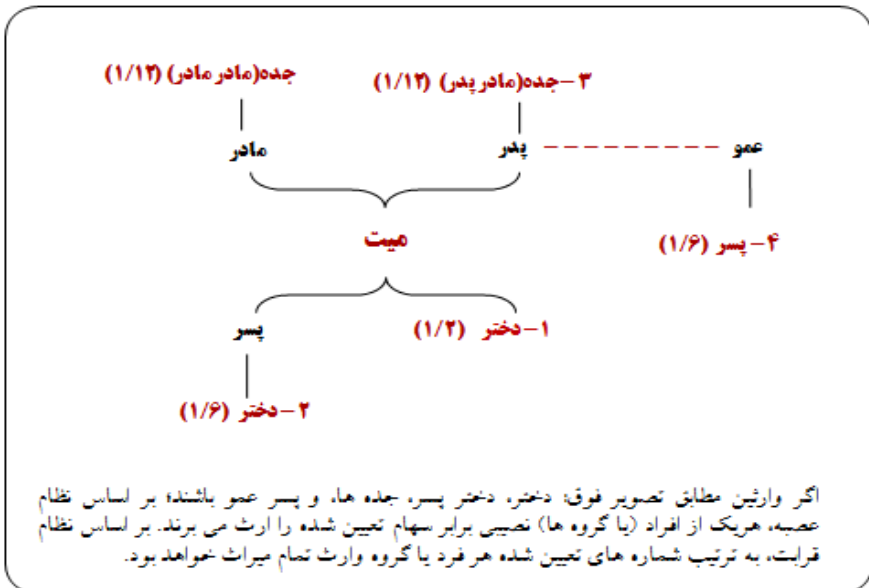
بر اساس تعصیب تمام گروه‌ها ارث می‌برند. ولی بر اساس نظام قرابت به ترتیب شماره‌های ذکر شده، ارث خواهند برد.

نمودار ۲. در این نمودار، که پدر و عمو وجود ندارد و سایر ورثه هستند، بر اساس نظام تعصیب تمام گروه‌ها ارث می‌برند. ولی بر اساس نظام قرابت به ترتیب شماره‌های ذکر شده، ارث خواهند برد.



نمودار ۳. اگر کسی بمیرد و وارثان او مطابق جدول فوق عبارت باشند از: پسر دختر، دختر برادر، پسر خواهر، جد مادری، دایی، خاله، عمه و عصبه‌ای با چند واسطه

از پسرعموها، کسانی که با میت قرابت خویشاوندی دارند، هشت نفر (یا هشت گروه) هستند. از این میان هفت نفر آنان فقط با یک واسطه خویشاوند میت هستند که دو گروه آنان در سلسله طولی (سلسله والدینی و فرزندی) خویشاوند او هستند و رابطه خویشاوندی نفر دیگر از غیر سلسله طولی و با چندین واسطه همراه شده است. مطابق نظام عصبه، هیچ‌یک از این گروه‌های هفت‌گانه به دلیل اینکه عصبه محسوب نمی‌شوند، ارث نمی‌برند و تمام ارث به همان عصبه (از نسل پسرعموها) می‌رسد. ولی بر اساس نظام قرابتی، میراث به ترتیب شماره‌ها ابتدا به شماره اول (پسر دختر)، در مرحله دوم به طبقه دوم (دختر برادر، پسر خواهر: جد مادری)؛ پس از آن به عمومه و خووله (عمه، دایی و خاله) و در نهایت به شماره چهارم (عصبه با واسطه از نسل پسرعموها) به ارث می‌رسد.^۱



نمودار ۴. اگر وارثان میت مطابق تصویر فوق عبارت از دختر، دختر پسر، جد هاء، و پسرعمو باشند، بر اساس نظام عصبه، هر یک از افراد (یا گروه‌ها) نصیبی برابر سهام

۱. ابن حزم، علی بن احمد، المحلی، ج ۹، ص ۲۵۵؛ محقق حلی، جعفر بن حسن، المختصر النافع فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۲۷۰.

تعیین شده را ارث می‌برند. بر اساس نظام قرابت، به ترتیب شماره‌های تعیین شده، هر فرد یا گروه وارث تمام میراث خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

۱. آیاتی که در آنها مشتقات ماده «ورث» به کار رفته ۳۵ آیه است، ولی همه آنها درباره ارث به اصطلاح فقهی آن بحث نکرده است. همان‌گونه که آیات مربوط به ارث در این دسته از آیات منحصر نیست. آنچه مرتبط با احکام فقهی ارث می‌شود ۲۱ آیه است: سوره‌های نساء: ۷ تا ۱۴ و ۱۹، ۳۲، ۳۳، ۱۲۷، ۱۷۶؛ انبیاء: ۸۹؛ مریم: ۵ و ۶؛ انفال: ۷۲ و ۷۵؛ احزاب: ۶؛ فجر: ۱۷ و ۱۹ (با استفاده از نرم‌افزار جامع تفسیر و دانش‌نامه جامع معارف قرآن).

۲. ولاء عتاق: کسی که عبد یا امه‌ای را آزاد کند، چه زن باشد و چه مرد، این ولایت را بر آزادشده‌اش پیدا می‌کند که در صورت نداشتن وارث، میراثش را ارث می‌برد (زحیلی، وهبة، الفقه الاسلامی و أدلته، ج ۱۰، ص ۳۷۹).

۳. ولاء مولی‌الموالی (ضامن جریره): نوعی پیمان متقابل بین دو نفر است که بر اثر آن یکی، یا هر یک از طرفین متعهد می‌شود حمایت‌کننده طرف مقابل در برابر خسارت‌های مالی و جانی واردشده از ناحیه او باشد، ولی امتیاز وارث شدن از طرف مقابلش را پیدا می‌کند (عاملی، محمد بن حسین؛ ساوجی، نظام بن حسین، جامع عباسی و تکمیل آن، ص ۸۷۰؛ زحیلی، وهبة، الفقه الاسلامی و أدلته، ج ۱۰، ص ۳۷۹؛ جرجانی، سید شریف علی، شرح السراجیة فی علم الموارث، ص ۱۷۲؛ نووی، یحیی بن شرف، المجموع شرح المهذب، ج ۱۶، ص ۵۶ و ۵۷).

۴. ولاء اسلام آوردن این است که اگر کافر مسلمان شده، بمیرد و هیچ‌کس نداشته باشد (حتی ضامن جریره)، آن کس که او را مسلمان کرده است وارث او می‌شود (طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، ج ۴، ص ۱۲۰، مسئله ۱۳۷؛ شافعی، محمد ابن ادريس، الام، ج ۴، ص ۸۱ و ۸۲؛ عاملی، محمد بن حسین؛ ساوجی، نظام بن حسین، جامع عباسی و تکمیل آن، ص ۸۷۰). شیخ طوسی از آن به ولاء الموالاة نام برده است و به ابن مسیب، عطاء، زهری أوزاعی، و أبو حنیفة و اصحابش هم آن را نسبت داده است. همچنین، گفته است زید، مالک، شافعی و ابن ابی لیلی آن را نپذیرفته‌اند. اگر این ولاء ثابت باشد، زن نیز می‌تواند دعوت‌کننده به اسلام باشد و ولاء اسلام شامل حالش شود.

۵. انفال: ۷۵ و خویشاوندان نسبت به یکدیگر، در احکامی که خدا مقرر داشته، (از دیگران)

سزاوارترند.

۶. «۷. مولی‌الموالی [ضامن جریره]: یعنی در صورت نبودن افراد ذکرشده، همه میراث به مولی‌الموالی داده می‌شود. این در صورتی است که یکی از زوجین وجود نداشته باشد. لکن همان‌گونه

که در کتاب *فرائض العثمانیة* آمده است، اگر یکی از زوجین وجود داشته باشد، آنچه از میزان فرض او اضافه آمده است نیز به او داده می شود».

۷. یعنی اگر از سهم طلا و نقره ای که به عنوان زکات جدا می شود، بنده ای خریده و آزاد شود.

منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۳). ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، قم: دار القرآن الکریم، در نرم افزار جامع تفاسیر ۲.۵، قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری نور.
- ابن بابویه قمی، محمد بن علی (صدوق) (۱۴۱۳). *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- ابن حزم، علی بن احمد (۱۳۷۹). *المحلی*، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت: دار الفکر، در: نرم افزار المعجم الفقهی، نسخه سوم.
- ابن رشد، محمد بن أحمد (۱۹۹۵/۱۴۱۵). *بداية المجتهد و نهاية المقتصد*، تصحیح: خالد العطار، بیروت: دار الفکر.
- ابن قدامة، عبدالله بن أحمد (۱۳۷۹). *المعنی*، بیروت: دار الکتب العربی، در: نرم افزار المعجم الفقهی، نسخه سوم.
- ابی البرکات، سیدی احمد الدردیر (بی تا). *الشرح الكبير*، بیروت: دار احیاء الکتب العربیة، در: المعجم الفقهی، نسخه سوم، ۱۳۷۹.
- أحمد بن سلیمان (المتوکل علی الله) (بی تا). *أصول الأحكام الجامع لأدلة الحلال والحرام*، المملكة الأردنية الهاشمية، مؤسسة الامام زيد بن علی (عليه السلام) الثقافية.
- جرجانی، سید شریف علی (۱۹۹۰/۱۴۱۰). *شرح السراجیة فی علم الموارث*، تحقیق: محمد عدنان درویش، بی جا: مکتبه الهدی، الطبعة الاولى.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، در: نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲، مرکز نور.
- حلی، مقداد بن عبد الله سیوری (بی تا). *کنز العرفان فی فقه القرآن*، ترجمه: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم: چاپ اول، در: نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲، مرکز نور.
- زحیلی، أ. د. وهبة (بی تا). *الفقه الاسلامی وأدلته*، دمشق: دارالفکر، الطبعة الرابعة، در: نرم افزار المکتبة الشاملة.
- سرخسی، محمد بن أبی سهل (۱۳۷۹). *المبسوط*، تصحیح: جماعة من أهل العلم، بیروت: دار المعرفة، در: نرم افزار المعجم الفقهی، نسخه سوم.
- شافعی، محمد بن ادریس (۱۹۸۳/۱۴۰۳). *الأم*، بی جا: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، الطبعة الثانية، در: نرم افزار المعجم الفقهی، نسخه سوم، ۱۳۷۹.
- الطرابلسی المغربي (الحطاب الرعینی)، محمد بن محمد بن عبد الرحمن (۲۰۰۳/۱۴۲۳). *مواهب الجلیل* لشرح مختصر الخلیل (فقه مالکی)، تحقیق: زکریا عمیرات، بی جا: دار عالم الکتب، در: نرم افزار المکتبة الشاملة.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). *الخلاف، تحقیق: السيد علی الخراسانی والسید جواد الشهرستانی* والشیخ مهدی طه نجف، قم: دفتر انتشارات اسلامی، الطبعة الاولى، در: نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲، مرکز نور.

عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی (۱۴۱۷). *الدروس الشرعية فی فقه الامامية، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، در: نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲، مرکز نور.*

عاملی، محمد بن حسین؛ ساوجی، نظام بن حسین (۱۴۲۹). *جامع عباسی و تکمیل آن (محشی، ط - جدید)*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، در: نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲، مرکز نور.

عصیفری، فضل ابن ابي السعد (بی تا). *مفتاح الفرائض فی علم الفرائض، در: نرم افزار مکتبه الشاملة. محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، در: نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲، مرکز نور.*

محقق حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۱۸). *المختصر النافع فی فقه الامامية، قم: مؤسسة المطبوعات الدينية، چاپ ششم، در: نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲، مرکز نور.*

مغربی، نعمان بن محمد تمیمی (قاضی نعمان) (۱۹۶۳/۱۳۸۳). *دعائم الاسلام و ذکر الحلال والحرام، والقضايا والاحکام عن اهل بیت رسول الله علیه و علیهم افضل السلام، تحقیق: آصف بن علی أصغر فیضی، مصر: دار المعارف، الطبعة الثانية، در: نرم افزار المعجم الفقهی، نسخه سوم، ۱۳۷۹.*

موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۵). *تحریر الوسیلة، ترجمه: علی اسلامی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، در: نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲، مرکز نور.*

نجفی، محمد حسن (بی تا). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة السابعة، در: نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲، مرکز نور.*

نووی، یحیی بن شرف (۱۳۷۹). *المجموع شرح المذهب، بی جا: دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، در: نرم افزار المعجم الفقهی، نسخه سوم.*

الهادی الی الحق، یحیی بن حسین بن قاسم (۱۳۷۹). *الاحکام فی الحلال والحرام، در: نرم افزار المعجم الفقهی، نسخه سوم.*

هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ و جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۳). *موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البيت علیهم السلام، قم: دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، چاپ اول، در: نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲، مرکز نور.*

هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ و جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم السلام)، چاپ اول، در: نرم افزار جامع فقه اهل بیت ۲، مرکز نور.*